



آینده پژوهی، سناریونویسی و بایسته های درک پیچیدگی محیط بین الملل در پژوهش های روابط بین الملل

فاطمه محروق^۱

امیر عباسی خوشکار^۲

چکیده

آینده پژوهی به مثابه دانش اقدام و یک حوزه مستقل بین رشته ای برخوردار از پشتوانه های معرفت شناختی و روش شناختی است. با این حال، هنوز در سطوح و لایه های گوناگون اجتماعی و در عرصه مطالعات علوم اجتماعی به درستی فهم و درک نشده است و در پژوهش های روابط بین الملل کمتر آثاری در این زمینه به چشم می خورد. هدف از پژوهش حاضر که یافته های آن آمده، یافتن عوامل احتمالی کم توجهی به سناریونویسی به مثابه یکی از ابزارهای نخستین و پر کاربرد در آینده پژوهی در پژوهش های روابط بین الملل در ایران است.

نوشتار حاضر دارای سه بخش است: در بخش نخست ادبیات و پیشینه تحقیق با اشاره به کارهای پژوهشی نزدیک به کار حاضر در حوزه روش شناسی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. سپس، چارچوب تحلیلی با محوریت روش سناریونویسی مورد ملاحظه قرار خواهد گرفت. در انتها یافته های پژوهش در حوزه روابط بین الملل و نتیجه گیری ارائه خواهد شد.

یافته های پژوهش نشان می دهد بداعت و تازگی این حوزه مطالعاتی، باورهای نادرست و انتظار غیر علمی از آینده پژوهی و روش های مناسب کاربست آن، آشنایی اندک اساتید، دانشجویان و پژوهشگران روابط بین الملل با این حوزه مطالعاتی، زمان بر بودن و هزینه مالی انجام چنین پژوهش هایی و در نهایت عدم انباشت دانش حاصل از یافته های آینده پژوهی عوامل احتمالی مؤثر در ضعف توجه به آینده پژوهی به طور عام و سناریونویسی به طور خاص است.

کلیدواژه: سناریونویسی، عدم قطعیت، روابط بین الملل، پژوهش های روابط بین الملل

^۱ دکتری روابط بین الملل دانشگاه تهران fmahrough.ut.ac.ir

^۲ دکتری روابط بین الملل دانشگاه تهران khoshkar1392@yahoo.com



مقدمه

اندیشیدن به آینده و تلاش برای اثرگذاری بر رویدادهای در حال شکل گیری مقوله‌ای تازه نیست و به دسته‌ای خاص و یا نگرشی ویژه اختصاص ندارد، بلکه پدیده‌ای جهان‌شمول، قدیمی و فراگیر است. با این حال، نظر به سرعت و دگرگونی‌های ژرف در پدیده‌های اجتماعی، سیاسی، علمی و اقتصادی و از آنجا که «هوشمندانه‌ترین رویکرد انسان‌ها و جوامع، آماده شدن برای رویارویی با رخدادهای پیش‌بینی‌ناپذیر و رفتن به پیشواز آینده است» (خزایی و محمودزاده، ۱۳۹۱: ۴)، مسئله اصلی در اینجا چگونگی آمادگی برای رخدادهای پیش‌بینی‌ناپذیر و به پیشواز آن رفتن است. با توجه به پیچیدگی و عدم قطعیت^۱ حاکم بر امور، روش‌شناسی می‌تواند پیرامون برنامه ریزی برای آینده کمک قابل ملاحظه‌ای داشته باشد. زیرا، همان‌گونه که نظریه‌پردازی‌ها، ساختارهای تازه‌ای از مفاهیم جاری را پدید می‌آورند، روش‌شناسی‌ها نیز افزایش نیروی فکری و کاربردی اندیشه‌ها و نظریه‌ها را به دنبال دارند (خزایی و محمودزاده، ۱۳۹۱: ۱۵۹). درست در همین جاست که می‌توان از سناریوها برای وارد کردن داده‌های خام در بافتارهای معنادار انسانی و برای بهبود تصمیم‌گیری در برابر آینده‌های ممکن و محتمل بهره برد.

با توجه به هدف مقاله حاضر، کاربرد و سودمندی روش‌ها و تکنیک‌های آینده‌پژوهی از جمله سناریونویسی، با توجه هدف مقاله حاضر، در عرصه مطالعات و پژوهش‌های روابط بین‌الملل به یکی از موضوعات جذاب، گیرا و تهییج‌کننده و در عین حال مناقشه‌برانگیز تبدیل شده است. علت این مسئله را می‌توان در پیچیدگی درک واقعیت جست. این پیچیدگی اغلب با ذهنیت‌های پژوهشگر، آشوبناکی محیط، سهل‌انگاری، خطا در مشاهدات یا تکیه صرف بر روندهای گذشته و همچنین تعدد متغیرها و ناتوانی در تشخیص میزان تأثیرگذاری آنها در فرایند پژوهش همراه است. از سوی دیگر، متأثر از تحولات معرفتی در عرصه مطالعات روابط بین‌الملل و اهمیت یافتن روش‌های آینده‌پژوهی به ویژه سناریونویسی، این روش با استقبال چندان و تحرک کافی از سوی اساتید، دانش‌پژوهان و به طور کلی حوزه‌های آکادمیک روبرو نشده است. این ناسازگاری با تغییرات و مقتضیات محیطی را می‌توان در پذیرش و کاربرد هر چند محدود روش سناریونویسی در برخی دستگاه‌های رسمی ایران همچون نهاد وزارت دفاع، بازرگانی و نهادهایی از این در عین توجه ناکافی به آن در حوزه‌های دانشگاهی کشور مشاهده کرد. بخش عمده مقالات مندرج در نشریه‌های تخصصی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل حول محور همان مباحث نظری رایج در روابط بین‌الملل و روش‌شناسی‌های منبعث از آن یا پیوند آن با یک

^۱ Uncertainty



مورد مطالعاتی است که عمدتاً در چارچوب منابع کتابخانه‌ای و بدون بهره‌گیری از روش‌ها و تکنیک‌های جدید در حوزه روش‌شناسی صورت پذیرفته است.

پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها هدف مقاله حاضر است: با توجه به پیچیدگی و عدم قطعیت محیط بین‌الملل و غیرخطی و آشوبناک بودن رخدادهای سیاسی چگونه می‌توان از سناریونویسی در درک مناسب محیط بین‌الملل و برنامه‌ریزی بر پایه آن استفاده کرد؟ چه قابلیت و استعدادهایی برای پاسخگویی به دغدغه‌ها و نیازهای پژوهشگران و محققان فعال در حوزه روابط بین‌الملل دارد؟ علل نازل بودن توجه به این روش در پژوهش‌های روابط بین‌الملل در ایران در چیست؟

مقاله حاضر بر آن است تا ضمن پاسخگویی به پرسش‌های فوق و آسیب‌شناسی علل نازل بودن توجه به این روش در پژوهش‌های روابط بین‌الملل در ایران، یافته‌های خود را در اختیار پژوهشگران روابط بین‌الملل قرار دهد. نوشتار حاضر دارای سه بخش است: در بخش نخست ادبیات و پیشینه تحقیق با اشاره به کارهای پژوهشی نزدیک به کار حاضر در حوزه روش‌شناسی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. سپس، چارچوب تحلیلی با محوریت روش سناریونویسی مورد ملاحظه قرار خواهد گرفت. در انتها یافته‌های پژوهش و نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

۱- پیشینه تحقیق

در این بخش چند مقاله را که از لحاظ روش تحقیق و ارزیابی مقالات به پژوهش حاضر نزدیک است اشاره می‌شود و از قبل آن ضرورت تحقیق حاضر با شفافیتی بیشتر ذکر می‌شود. کاووس سید امامی در پژوهشی با عنوان «جای خالی پژوهش‌های تجربی در علوم سیاسی ایران»، با بررسی ۷ نشریه تخصصی علوم سیاسی ۲۸۲ مقاله را مورد بررسی قرار داده است. یافته‌های وی نشان می‌دهد که ۸۲ درصد مقاله‌های نشریه‌های مورد بررسی با استناد به منابع کتابخانه‌ای نگاشته شده‌اند. در ۶/۴ درصد از مقاله‌ها در حد قابل توجهی از یافته‌های تجربی موجود استفاده شده است. ۶ درصد از مقاله‌ها برآمده از یافته‌های تجربی خود نویسندگان بوده است و در ۵/۶ درصد مقاله‌ها روش‌های غیرتجربی جایگزین مثل هرمنوتیک، تحلیل گفتمان و غیره به کار رفته است (سید امامی، ۱۳۸۹).

سید امامی در پژوهشی دیگر با عنوان «پارادوکس‌های آموزش روش‌شناسی علم سیاست در ایران؛ برخی راهکارهای عمل‌گرایانه» به معضلات روش‌شناسی در رشته‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در فضای خاص فرهنگی و آموزشی جامعه ایران پرداخته است. او در این پژوهش از مطالعه برنامه درسی دانشگاه‌های اصلی ارائه‌دهنده این روش در ایران (در تهران)، تجربه‌های تدریس روش‌شناسی شخصی خود و از ۴۷ مصاحبه‌گرساختارمند با دانشجویان مقطع ارشد و دکتری شماری از دانشگاه‌های کشور در تهران به شیوه کیفی بهره



گرفت و به سه معضل اصلی اشاره کرده است: ۱. در حاشیه قرار داشتن روش‌شناسی و درس‌های مربوط در اغلب دانشکده‌های علوم سیاسی؛ ۲. ناکافی بودن تعداد واحدهای اختصاص داده شده به مباحث روش‌شناختی به طور عام و در نتیجه، عدم دستیابی به یک تعادل مطلوب در مباحث درس‌های روش‌شناسی؛ ۳. نادیده گرفتن تنوع مکاتب و رویکردهای روش‌شناختی در جهان معاصر و اتخاذ نوعی مونیسم روش‌شناختی (سیدامامی، ۱۳۸۷).

محمدعلی تقوی و مهسادیی در پژوهشی تحت عنوان «ضعف سنت نقد در پژوهش علوم سیاسی در ایران» با رویکردی کمی به تحقیق بررسی جایگاه نقد در پژوهش علوم سیاسی در ایران پرداخت. یافته‌های وی از بررسی ۵۹۶۸ مطالب منتشر شده نشان می‌دهد که ۸/۲ درصد عناوین و ۴/۵ درصد حجم مطالب منتشر شده به مطالب انتقادی اختصاص دارند. از سوی دیگر، ۹۱ درصد تعداد و ۸۴ درصد حجم مطالب انتقادی، «نقد کتاب» بوده‌اند. به عقیده نویسندگان این داده‌های آماری حاکی از ضعف سند نقد در پژوهش این رشته است (تقوی و ادیبی، ۱۳۸۹).

در پژوهش‌های حوزه روش‌شناسی در ایران جای خالی پژوهش تجربی با رویکردی آسیب‌شناختی به وضعیت روش‌شناسی آینده‌پژوهی در پژوهش‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل به وضوح قابل مشاهده است. البته در این زمینه می‌توان از مقاله ابراهیم حاجیانی با عنوان «معیارهای ارزیابی روش‌شناختی تکنیک‌های مطالعات آینده» نام برد که در آن به بررسی ضوابط ارزیابی محصولات و یافته‌های تحقیقات آینده‌پژوهی و نیز ملاک‌های ارزیابی و تمیز تکنیک‌های مختلف رایج در مطالعات آینده پرداخته است. این مقاله به لحاظ ارائه سنجه‌ها و معیارهایی به محققان برای آگاهی از توانایی‌های روش‌شناختی هر کدام از تکنیک‌های آینده‌پژوهی از ارزش بالایی برخوردار است و در این مقاله نیز یافته‌های وی مورد استفاده واقع شده است (حاجیانی، ۱۳۹۰). با این حال، نویسنده به پژوهشی تجربی در راستای بررسی وضعیت مقاله‌های کشور در این حوزه مطالعاتی پرداخته است و به ارائه معیارهای قابل توجه در ارزیابی کلیه روش‌ها و تکنیک‌های آینده‌پژوهی بدون اولویت دادن به ارزیابی یک تکنیک خاص دست یازیده است. وی همچنین در پژوهش خود به طور عمده از منابع و متون خارجی، به عبارت دیگر، یافته‌های موجود برای ادعاهای خود استفاده کرده است. از این رو، پژوهش حاضر به لحاظ روش‌شناسی و با رویکردی انتقادی و آسیب‌شناسانه به پژوهش‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در حوزه آینده‌پژوهی با تکیه بر روش/تکنیک سناریونویسی در نوع خود جدید است.

۲. چارچوب تحلیلی

۲-۱. تعریف سناریو



واژه سناریو^۱ یک مفهوم مبهم است و هیچ تعریف منحصر به فرد یا اجماع درباره آن وجود ندارد. متفکران مختلف تعاریفی متفاوت از آن ارائه می دهند. واژه مزبور مأخوذ از دنیای تئاتر و مبتنی بر روایت داستان و نقش بازیگران است. هرمن کان^۲ از واژه «سناریو» به مفهوم هالیوودی آن به عنوان طرح کلی همراه با جزئیات فیلم آینده‌ای تخیلی استفاده کرد و بر این نکته تأکید کرد که وی پیش‌بینی‌هایی دقیق ارائه نمی کند، بلکه سعی در اکتشاف آینده دارد (وندرهیدن، ۱۳۸۹: ۲۵). پیتز شوارتز^۳ در کتاب هنر دورنگری، سناریو را این گونه تعریف می کند: «ابزاری برای نظم بخشیدن به ادراکات فرد در محیط‌های آینده، که در آن، تصمیم فرد می تواند به درستی اجرا شود» (نپوری زاده، ۱۳۸۸: ۱۴۲).

آنچه از این تعاریف برمی آید این است که سناریو توصیفی ساده و عادی از زمان در حال نیست، بلکه سناریوها، به تصویر کشاندن احتمالات آینده و تحلیل و شناخت متغیرهای محیطی پیچیده خواهند بود. سناریو، پاسخی مناسب به این سوال است که: چه اتفاقی ممکن است بیافتد؟ یا چه اتفاقی می افتد اگر؟ به عبارت دیگر، سناریوها، برنامه‌ای برای رویارویی با رویدادهای غیرمنتظره هستند. در طراحی سناریوها، هم آینده‌های مطلوب و هم آینده‌های نامطلوب به روشنی و دقت ترسیم می گردند (لیندگرن و هولد، ۱۳۸۶: ۳۶). از این رو می توان گفت، سناریوها به عنوان روشی برای آینده‌نگاری، ابزارهایی برای کمک به ما در اتخاذ تصمیم‌های دورنگرانه با عدم قطعیت بالا هستند که امکان یکپارچه‌سازی آینده‌های میان‌مدت و بلند مدت را با برنامه‌ریزی‌های راهبردی کوتاه‌مدت و میان‌مدت فراهم می کنند (نپوری زاده، ۱۳۸۸: ۱۴۲).

۲-۲. پیشینه تاریخی سناریونویسی

برنامه ریزی بر اساس سناریو تاریخ و قدمتی طولانی دارد. تاریخچه کاربرد واژه سناریو به دهه ۱۹۴۰ میلادی باز می گردد. در آن برهه، واژه سناریو در گفتمان‌های سیاسی کاربردهای فراوانی داشت، اما هنوز به عنوان روشی نظام‌مند شناخته نمی شد. این واژه که از دنیای هنر به عاریت گرفته شده است، با مفهوم جدید نخستین بار پس از جنگ جهانی دوم به عنوان روشی برای برنامه‌ریزی نظامی و تحلیل‌های امنیتی ظاهر شد. این روش در بخش‌های دفاعی و نظامی نیروی هوایی آمریکا به منظور شناسایی وضعیت دشمن و آماده‌سازی راهبردهای بدیل جنگی مورد استفاده قرار گرفت. در دهه ۱۹۶۰ هرمن کان که با نیروی هوایی آمریکا همکاری داشت، سناریوها را به عنوان ابزاری برای پیش‌بینی کسب و کار و عرصه

^۱ Scenario

^۲ Herman Kahn

^۳ Peter Schwartz



تجارت مطرح کرد. استفاده از این روش در حوزه غیرنظامی توسط اندیشگاه رند^۱ و مؤسسه هودسون^۲ که توسط هرمن کان پس از استعفا از اندیشکده رند تأسیس شده بود، گسترش یافت (هیدن، ۱۳۸۹: ۲۵). ارزش عظیم و بالای سناریو، انتخاب عناصر پیچیده و درهم تیدن آن به صورت یک داستان است که به شیوه‌ای منسجم، نظام‌مند، جامع و قابل تعمق ارائه می‌شود. جالب‌ترین موارد سناریو، بازی‌های سیاست هستند که در آن‌ها ارتش، وزارت امور خارجه و دیگر مقامات رسمی دولتی به بازی نقش در موقعیت‌هایی می‌پردازند که از نظر واقعی امکان‌پذیر باشند. در این میان، ارتش تجربه‌ای بالا در این زمینه دارد. ارتش همچنین بازی جنگ سناریو را به عنوان وسیله‌ای ارزشمند برای درک جنگ‌ها و نزاع‌ها توسعه داده است. در سناریوها هیچ کس دارای آگاهی و دانش کامل درباره موقعیت نیست و تنها دارای نقش محوری مشاهده و تعبیر و تفسیر موقعیت متغیر براساس پاسخ‌های بازیگران در سناریو است (میتزرنر و رگر، ۱۳۸۸: ۶-۷).

تحلیل سناریو در ابتدا گسترش «پیش‌بینی و کنترل» در برنامه‌ریزی بود که بر اساس برنامه ریزی مبتنی بر پیش‌نگری در دهه ۱۹۶۰ رایج بود. به تدریج این نگرش جای خود را به ارزیابی احتمالی آینده‌های بدیل داد که منجر به تخمین و برآورد «محتمل‌ترین حالت» می‌شود. این روش پیشرفتی بنیادین نسبت به دیگر رویکردهای پیش‌نگری نبود و در اواخر دهه ۱۹۶۰ خطاهای این رویکرد به طور گسترده شناخته شدند (هیدن، ۱۳۸۹: ۲۶).

در اوایل دهه ۱۹۷۰ پیرواک ابعاد جدیدی به برنامه‌ریزی سناریو افزود. وی ضمن معرفی این روش به مدیران شرکت نفتی شل، بخشی جدید تحت عنوان «گروه برنامه‌ریزی» به منظور بررسی حوادث ممکن الوقوع و تأثیرگذار بر قیمت نفت تأسیس کرد. او و همکارانش دو سناریو را طراحی کردند که در آن دسته‌ای از داستان‌ها به همراه قیمت‌های احتمالی نفت مشخص شده بود. در داستان اول، شرایط محیطی پایدار و قیمت نفت ثابت بود که با توجه به واقعیات موجود، بیشتر شبیه به یک افسانه می‌نمود. داستان دوم، به آینده‌ای قابل باور اشاره داشت که در آن با توجه به واقعیات و بحران‌های منطقه‌ای، توصیه‌هایی به مدیران شرکت شده بود. پیرواک، در سناریوی دوم به روند تغییرات در جهان و تأثیرات محتمل بر قیمت‌های نفتی اشاره کرده بود. پس از به وقوع پیوستن شوک نفتی اکتبر ۱۹۷۳ و وقوع جنگ «یوم کیپور» در خاورمیانه، مدیران ارشد شرکت نفتی مزبور واکنش مناسب و سریع در برابر بحران اتخاذ کردند که باعث جهش بسیار بلند این شرکت در دنیای انرژی شد (چهارسوقی و دیگران، ۱۳۹۱: ۶؛ نپوری‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۴۴). پیرواک در تحلیل سناریو به پشت‌سر و زمینه‌ی این حوزه نگاه کرد، یعنی

^۱ Rand

^۲ Hudson



افرادی که بر این ذخایر کنترل دارند و تصمیم‌های واقعی را می‌گیرند. این یکی از دستاوردها و نقش بزرگ پیر واک در فرایند سناریو بود که بر مشاهده‌ی افراد پشت‌سر تصمیم‌ها و نه پدیده‌های فنی یا کلان اصرار داشت. بحران نفتی ۱۹۷۳ نیز نشان داد که تحلیل سناریو شرکت را در مسیر تفکری قرار داده که پیش‌نگری سنتی هرگز چنین کاری نکرده بود. پیش‌نگری پاسخ‌ها را ارائه می‌کند، اما برنامه‌ریزی سناریویی از افراد می‌خواهد که پرسش‌های حساس را مطرح کنند (هیدن، ۱۳۸۹: ۲۸). در سالهای بعد استفاده از این روش به عنوان ابزاری در مدیریت راهبردی گسترش بسیار یافت. بنابراین، هدف از برنامه‌ریزی بر اساس سناریو، کمک به مدیران جهت تغییر دیدگاه‌های شخصی آنها از واقعیت و نزدیک‌تر کردن آن به واقعیت و آینده‌های احتمالی است. هدف تصویر دقیق پیش‌بینی فردا نیست، بلکه اخذ تصمیم‌های بهتر در مورد آینده‌های احتمالی است (میتزنر و رگر، ۱۳۸۸: ۸).

۳-۲. طبقه‌بندی و بررسی برنامه‌ریزی سناریو

با مذاقه در فرایند سناریو نویسی از دهه ۱۹۴۰ میلادی به این سو می‌توان شاهد تغییر رویکرد این روش در طراحی پرسش‌ها و برنامه‌ریزی بود؛ به گونه‌ای که سناریو نویسی در دهه ۱۹۴۰ عمدتاً حول محور این پرسش بود که «چه خواهد شد؟» (آینده‌شناسی). در دهه ۱۹۷۰ سناریوها به سمت نگرش راهبردی حرکت کردند و پرسش پیش روی آنها «چه باید کرد؟» بود. از دهه ۹۰ به این سو سناریو نویسی به یادگیری و توسعه زمانی (چه باید شود؟) توجه نشان داد. بنابراین، اگر در گذشته سناریوها شامل ارزیابی، گزینش راهبردها و انتخاب راهبردها بود، در کارکردهای اخیر، هدف از سناریو نویسی، آگاه ساختن مدیران و تحلیل‌گران از تردیدهای محیطی و گسترش مدل‌های ذهنی آنها و آغاز تسهیل فرایند یادگیری می‌باشد (چهارسوقی و دیگران، ۱۳۹۱: ۷).

برخی افراد این فرض را مبنای کار خود قرار می‌دهند که برنامه نویسی سناریویی یک ابزار به خوبی تعریف شده میان دیگر ابزارهای جعبه ابزار راهبردنویس است. این یک سوء تفاهم است. برنامه‌ریزی سناریویی بیش از آنکه یک ابزار باشد، یک روش عمل‌گرای تفکر راهبردی است که بر وجود عدم قطعیت در تمام نتایج اذعان دارد. ایده راهبردسازی برای آینده در اصل مبتنی بر پیش‌بینی‌ناپذیر بودن آینده است و فرض ما بر این است که بعضی جنبه‌های آن را می‌توان پیش‌نگری کرد. از این رو، سناریو نویسی همواره در محیط عدم قطعیت انجام می‌شود. بنیادی‌ترین جنبه طرح عدم قطعیت در معادله راهبردی آن است که برنامه‌ریزی برای آینده از یک طراحی یک‌باره به پیشنهاد یادگیری مستمر تغییر می‌یابد. ممکن است ایده‌ی یادگیری مستمر از نظر بعضی افراد کم‌تر مطلوب باشد؛ چرا که به ما حس پایان بخشیدن به مسأله را نمی‌دهد. رویکرد سنتی سعی در حذف عدم قطعیت از معادله راهبردی با فرض وجود افراد صاحب‌نظری داشت که از دانش پی بردن به «محتمل‌ترین آینده» برخوردارند و می‌توانند



احتمالات نتایج خاص را ارزیابی کنند. اما برنامه‌ریزی سناریویی، عدم قطعیت و ابهام غیر قابل کاهش در هر موقعیت فراروی راهبردنویس را چراغ راهنمای خود قرار می‌دهد که در آن راهبرد موفق تنها در پاسخ پویا و در حال پیشرفت به این موقعیت توسعه می‌یابد (هیدن، ۱۳۸۹: ۳۰؛ The Futures Group, 1994: 8-9).

در برنامه‌ریزی مبتنی بر سناریو انواع مختلف سناریو و شیوه‌های طبقه‌بندی آنها وجود دارد. این طبقه‌بندی‌های مختلف سناریوها به هیچ عنوان در فرایند تحقیق مورد بررسی قرار نمی‌گیرند، بلکه جنبه‌های خلاقانه و ارتباطی مورد استفاده قرار می‌گیرند و در رویکرد تصمیم‌گیری و اقدام صاحب‌نظران اشاره می‌شود. یکی از وجوه تمایز رایج و ریشه‌دار در طبقه‌بندی سناریو، تفاوت آنها در رویکردهای هنجاری و اکتشافی است. اکتشافی^۱ به معنای شروع از روندهای گذشته و حال و رسیدن به آینده‌ی قابل تحقق است. سناریوهای اکتشافی ممکن است تحت هدایت روند یا برعکس مبتنی بر محتمل‌ترین یا غیرمحتمل‌ترین تغییرات باشند. رویکرد هنجاری^۲ یا پیش‌نگر^۳ نیز به معنای ساختن چشم‌اندازهای متفاوت از آینده است (Marien, 2002: 270). آنها ممکن است مطلوب یا برعکس بیمناک باشند (خزایی، ۱۳۹۲: ۱۶۰-۱۶۱). از دیدگاه روش‌شناختی سه نوع برنامه‌ریزی براساس سناریو شناخته شده‌اند:

- منطق شهودی: این منطق نخستین بار توسط پیرواک توصیف شد و توسط SRI^۴، شبکه جهانی کسب و کار و شرکت شل توسعه یافت و بهترین شیوه برای استفاده از هر گونه اطلاعات در دسترس پیرامون آینده است. این منطق به میزان زیادی وابسته به کارشناسانی است که در مورد سناریوها کار کرده‌اند و فنون و تکنیک‌ها به متنوع‌ترین شیوه ترکیب شده و در نتیجه، کنترل ارزش و اعتبار یک دیدگاه خاص اقتباسی از یک منظر علمی، امری سخت و مشکل است.
- تحلیل اثر روند^۵: این روش توسط گروه آینده^۶ مورد استفاده قرار می‌گیرد و ترکیبی از برآوردهای آماری یا احتمالات است و آخرین نسخه‌ی آن متعلق به گوردون^۷ (۱۹۹۶) است. روش‌شناسی آن دارای مزیت و قابلیت فرمول‌بندی شدن است و هم‌زمان به هیچ وجه مانع از تفکر خلاق نمی‌شود. اما تحلیل روند دارای کمبودها و ناقص خاص خود است. تنها هنگامی می‌توان از آن استفاده کرد که داده و اطلاعات سری‌های زمانی طولانی مدت، همراه با جزئیات و قابل اعتماد باشند و

^۱ Exploratory

^۲ Normative

^۳ Anticipatory

^۴ Stanford Research Institute

^۵ Trend Impact Analysis

^۶ Future Group

^۷ Gordon



پژوهشگرانی که از این اطلاعات استفاده می کنند دارای زمینه و دانش کافی در نظریه‌ی احتمالی و آمار باشند. به این دلیل، اقلیت کارشناسان از این روش استفاده می کنند.

- تحلیل اثر-متقابل: این روش توسط بتل با BASIC (ورودی‌های سناریو بتل به راهبردهای واحد^۱) مورد استفاده قرار گرفته و تا حدی زیادی به گوده (۱۹۸۷) مدیون است و به احتمال روش‌شناسی آن دارای مستقیم‌ترین ارتباط با کاربرد سناریوها است. مزیت عظیم این روش آن است که به میزان زیادی فرمول‌بندی می‌شود و در نتیجه امکان کنترل فرایند را می‌دهد. عیب آن به این نکته باز می‌گردد که اگر در حدود و چارچوب‌های مشخص انجام نگیرد، فرمول‌بندی آن از کنترل خارج شده و مفید بودن و قابلیت اتکا به محتوای آن از بین می‌رود. بسیاری از کارشناسان نسبت به این روش دیدگاهی مثبت دارند و خاطر نشان می‌سازند که اغلب نقطه‌ی مناسبی برای ورود و آغاز به کار با سناریوهاست و موجب برانگیخته شدن علاقه‌مندی افراد با پیش‌زمینه‌های مختلف شده و برای انگیزش ایده‌های جدید، حتی اگر برون‌یابی‌ها و تعمیم‌ها صورت گیرد، بسیار مناسب است (میتزور و رگر، ۱۳۸۸: ۱۵-۱۴؛ بیشاب، ۱۳۸۸: ۱۶-۲۷).

۴-۲. طراحی سناریو

در هنگام طراحی سناریوها باید به یکسری ویژگی‌های سناریو توجه داشت که سبب بالا رفتن دقت پژوهش در این راستا می‌شود. به عبارت دیگر، سناریوها به هنگام توصیف منطقی از آینده باید حاوی این ویژگی‌ها باشند: امکان وقوع داشته باشد؛ مسیری منطقی و قابل قبول از حال به آینده را ترسیم کند؛ به توصیف روابط علت و معلولی پردازد؛ بر امر تصمیم‌گیری متمرکز باشد؛ به چالش‌ها، تهدیدها، فرصت‌ها و نیازهای آینده توجه کند؛ با گذشته کاملاً بی‌ارتباط نباشد؛ از نظر ساختاری و کیفی از یکدیگر متمایز باشند؛ تمام سناریوها دارای احتمال وقوع برابر باشند، به طوری که مجموعه‌ی سناریوها طیفی وسیع از عدم قطعیت‌ها را پوشش دهند؛ سناریوهای ساخته شده قابل باور باشند (نپوری‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۴۷).

یکی از اهداف طراحی سناریوهای مختلف، شناخت مجموعه‌ای از راهبردها و سیاست‌هایی است که در رویارویی با شرایط محیطی و عدم قطعیت‌های آن بیش‌ترین اثر را دارند. سناریوها با وجود ویژگی‌های داستان‌گونه‌ی خود از گام‌های نظام‌مند و قابل تشخیص پیروی می‌کنند. فرایند آنها بسیار تعاملی، متمرکز، تخیلی و همراه با تصویرسازی است. رویکردها و دیدگاه‌های متفاوتی در مورد چگونگی اجرای سناریوها و نحوه کاربرد تکنیک و فن سناریو وجود دارند (Burt & Vander Heijden, 2008:1110-1111). همچنین روش‌های گوناگون و پیچیده کمی و کیفی برای انجام آنها در دسترس قرار می‌گیرند. اما بعضی ابعاد و جنبه‌ها در مفاهیم مختلف به طور کامل مشابه و یکسان هستند. به هنگام طراحی سناریو باید مشخص شود

^۱ Batelle Scenario Inputs to Corporate Strategies



که هدف از سناریوسازی ارائه کدام یک از آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح می‌باشد. یک سناریونویسی باید «آینده‌های ممکن» یا «آینده‌های بدیل»^۱ برای یک پدیده را شناسایی کند و برای هر موضوع باید سناریوها و انواع احتمالات ممکن را در نظر داشته باشد. فرایند طراحی سناریو با نگاهی به نیروهای پیشران^۲ یعنی نیروهایی که بر حوادث و رویدادها تأثیر گذارند، شروع می‌شود. عوامل کلیدی درونی و بیرونی از جمله تغییر مقررات و قوانین کشوری و بحران‌های بین‌المللی می‌تواند برای یک سازمان یا کشور مشکل آفرین باشد. تشخیص و ارزیابی این عوامل، نقطه شروع و یکی از اهداف اصلی روش سناریوهاست (منزوی، ۱۳۸۸: ۱۴-۱۶، حاجیانی، ۱۳۹۰: ۸۹).

پس از تشخیص نیروهای پیشران، باید آن‌ها را مرتب کرده و میزان اثرگذاری آن را بر روند رویدادها مشخص کرد. تشخیص رویدادها و روندهای در حال پیدایش، موقعیت بالقوه‌ای را در اختیار تحلیل‌گران قرار می‌دهد که می‌تواند بر آینده سازمان یا کشور تأثیر بگذارد. توانایی کشف تغییرات و تصمیم‌گیری به موقع آن چیزی است که به حلقه‌ی OODA معروف است. این حلقه که معرف چهار کلمه مشاهده^۳، جهت‌گیری^۴، تصمیم^۵ و اقدام^۶ است، برای شناسایی تهدیدات و فرصت‌های آینده استفاده می‌شود. فیلیپس، چان و کپسالیس (۱۹۹۸) پیشنهاد کردند که سناریوها باید بر اساس چهار مرحله پدید آیند: ۱- تعریف دامنه؛ ۲- ساخت پایگاه داده؛ ۳- ساخت سناریوها؛ ۴- انتخاب گزینه‌های راهبردی (میتزور و رگر، ۱۳۸۸: ۱۶). پیتر شوارتز، یکی از پیشگامان حوزه‌ی توسعه و تحول سناریو، در کتاب «هنر دورنگری» گام‌های اساسی طراحی سناریو را به شرح زیر توصیف کرده است:

گام اول؛ شناسایی موضوع اصلی: هنگام سناریو پردازی تحلیل‌گران و راهبردنویسان باید در کی درست از تصمیم‌های خود داشته باشند و بدانند که در آینده باید چه موضوعاتی را در اولویت قرار دهند، بهتر آن است که ساخت سناریو از درون به بیرون انجام شود یعنی با یک موضوع یا تصمیم مشخص شروع شود و سپس به محیط بیرونی آن موضوع پرداخته شود. از سوی دیگر، در گام نخست باید ماهیت تصمیم‌های راهبردی مشخص شود که این گام می‌تواند با طرح پرسش‌های مناسب و حساس با توجه به مأموریت، چشم‌انداز و ارزش‌ها انجام شود.

^۱ Alternative Futures

^۲ Driving Force

^۳ Observation

^۴ Orientation

^۵ Decision

^۶ Action



گام دوم؛ شناسایی پارامترهای اثرگذار محیط: یک طراح سناریو باید به صورت هم‌زمان بر موضوعات کلیدی و مهم و رویدادهای غیرمنتظره و اثرگذار احتمالی تمرکز کند. تهیه فهرستی از عوامل حیاتی که بر موفقیت یا شکست سازمان یا نهاد تأثیر می‌گذارد، نکته‌ای است که در این مرحله باید به آن توجه داشت.

گام سوم؛ تعیین نیروهای محرک و پیشران: در این گام تلاش می‌شود تا با شناسایی نیروهای محرک و پیشران، فهرستی از نیروهای تأثیرگذار اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، محیطی و فناوری تهیه کرد، که به طور عمده دو الگوی مشهور دیجست^۱ یا استیپ وی^۲ برای انجام آن شناخته شده هستند، و با توجه به این نیروها عوامل کلیدی موفقیت را شناسایی کرد. تعیین و شناسایی این عوامل بنیادی نقطه عطف روش سناریونویسی است. به عبارت دیگر، نیروهای پیشران عناصری هستند که باعث حرکت و تغییر در طرح اصلی سناریو شده و خط سیر داستان‌ها را مشخص می‌کنند. بدون تشخیص نیروهای پیشران هیچ راهی برای شروع تفکر سناریویی وجود ندارد.

گام چهارم؛ اولویت‌بندی بر مبنای اهمیت و عدم قطعیت: مرحله بعدی، مرتب کردن عوامل کلیدی و نیروهای پیشران بر مبنای دو شرط زیر است:

اول: اجماع و توافق بر روی اهمیت موضوع یا تصمیمی که در گام اول مشخص شد.

دوم: میزان عدم قطعیت عوامل و روندهایی که در گام‌های دوم و سوم شناسایی شدند.

هدف از این مرحله، شناسایی روندهایی است که دارای بیشترین اهمیت و بالاترین عدم قطعیت هستند.

گام پنجم؛ انتخاب منطق سناریو: نتیجه رتبه‌بندی نیروهای پیشران در گام چهارم، به دست آوردن محوره‌های بنیادین پیش‌رو و کلیدی در سناریوهای احتمالی است. شناسایی این محورها، اصلی‌ترین و مهم‌ترین گام در فرایند کلی سناریوسازی است. فرض‌های مختلف درباره این محورها منجر به تدوین سناریوهای مختلف می‌شود. برای به دست آوردن منطق سناریو باید از چگونگی تأثیر نیروهای پیشران و نحوه تقابل یا تعامل آن‌ها بر یکدیگر آگاه بود. وقتی که محوره‌های بنیادین و عدم قطعیت‌های تعیین‌کننده شناسایی شدند، لازم است آن‌ها بر یک ماتریس (بر دو محور) نمایش داده شوند تا منطق سناریوهای مختلف و جزئیات آن‌ها معلوم گردد.

^۱ DEGEST

^۲ STEEP (V)



گام ششم؛ تدوین سناریوها: هنگام تدوین سناریوها بهتر است از گروهی که در نهاد یا سازمان مسئولیت تصمیم‌گیری ندارند، استفاده شود. این کار سبب می‌شود تا گروه تحقیق درگیر ساختار و ذهنیت قبلی نشوند.

گام هفتم؛ ارزیابی موضوع اصلی: زمانی که سناریوها تدوین شدند، وقت آن رسیده است تا تصمیم یا موضوع اصلی در گام نخست مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد. در این مرحله، تصمیم مورد نظر از نظر قوت و ضعف بررسی می‌شود.

گام هشتم؛ تعیین شاخص‌های راهنما: پس از تدوین سناریوها و ارزیابی موضوع اصلی، شاخص‌های راهنمایی برای پیش‌مسیرهای آینده تهیه شود. شناسایی این شاخص‌ها از آن رو اهمیت دارد که نهاد یا سازمان را در رسیدن به تصمیم اصلی یاری می‌دهد و به کمک این شاخص‌ها، تأثیرات حوادث بر راهبردها و تصمیم‌های موجود مشخص می‌شود و جهش بهتری در فضای رقابتی آینده ایجاد خواهد کرد (نیپوری‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۵۰-۱۵۴؛ منزوی، ۱۳۸۸: ۱۸). ئ

۵-۲. معیارهای ارزیابی یافته‌های آینده‌پژوهی از نگاه روش‌شناختی

منظور از معیارهای ارزیابی، ارائه یکسری ضوابط و معیارها براساس استلزامات و اصول علمی حاکم بر مطالعات آینده‌پژوهی است که براساس آن بتوان یافته‌های آینده‌پژوهی را مورد ارزیابی و مذاقه قرار داد. این معیارها در ارزیابی ما از مقالات گردآوری شده در این مقاله مورد استفاده قرار خواهند گرفت. حاجیانی این معیارها را به خوبی تشریح کرده است که مهمترین آنها در ذیل ذکر می‌گردد:

۱. سناریوها باید بتوانند انواع آینده‌ها را معرفی و پیشنهاد کنند. در واقع، به گفته گلن به هنگام طراحی سناریو باید مشخص شود که هدف از سناریوسازی ارائه کدام یک از انواع آینده‌های ممکن^۱، آینده‌های محتمل^۲ و آینده‌های مرجح یا مطلوب^۳، برای یک پدیده است و انواع احتمالات ممکن را مطرح کند (Glenn, 1994:8؛ حاجیانی، ۱۳۹۰: ۹۷). تعدد حالات و کثرت آینده‌ها یک ملاک مهم برای ارزیابی تکنیک‌هاست. این به سبب آن است که سناریونویسی در فضای احتمالات انجام می‌شود.

^۱ Possible Futures

^۲ Probable Future

^۳ Preferable Futures



۲. محصولات تحقیقات سناریو باید بتوانند اولویت‌های وقوع هر حالت را احصاء و معرفی کنند. در واقع، در نتیجه باید روشن شود کدام حالات احتمال وقوع بیشتری دارند و برای هر حالت، میزان یا حدی از احتمال وقوع را مشخص کنند. پس توانمندی روش‌ها برای اولویت‌بخشی و رتبه‌بندی^۱ حالات بسیار مهم است.
۳. جهت تأثیر متغیرهای پیش‌ران باید روشن شود؛ یعنی هر متغیر یا نیروی مؤثر چگونه تأثیری (به طور مثبت یا منفی) بر متغیر تحت بررسی دارد؟
۴. نیروها یا متغیرهای بدون تغییر، نیروهای تغییر یافته در آینده (که به احتمال تغییر می‌یابند) و نیروهای جدیدی را که پا به عرصه می‌گذارند، به تفکیک روشن شود. به تعبیر وروس، روندها (نیروهای از قبل موجود) و رویدادها (متغیرهای جدید و حادث شده) را به تفکیک معرفی و میزان تأثیر هر کدام محاسبه و در صورت امکان به صورت کمی ارائه شوند.
۵. بیان مکانیسم علی^۲: یعنی در فرایند اجرای تکنیک باید مشخص شود که نحوه، شیوه و روند شکل‌گیری هر کدام از آینده‌ها چگونه است؟ منظور از مکانیسم علی، بیان سلسله حوادث و چرخه متغیرها و نحوه چینش روش‌شناختی و نیازهای تصمیم‌گیرندگان بسیار مهم است که سناریوها یا حالات محتمل‌تر تحت چه شرایطی و طی چه فرایندی محقق می‌شوند تا بتوانند مانع حالات نامطلوب و تسریع در شکل‌گیری حالات مطلوب و دلخواه شوند.
۶. معرفی و تشخیص کنشگران یا بازیگران در پروژه‌های علوم سیاسی، علوم اجتماعی، مطالعات امنیتی و تشخیص نیات، اغراض، توانمندی‌ها، منابع، میزان برخورداری آنها از اطلاعات و نتایج احتمالی رقابت‌ها و منازعات بازیگران و نحوه احتمالی توزیع امتیازات میان بازیگران اهمیت بسزایی دارند.
۷. برخورداری از چارچوب نظری متقن و مقنع و وفاداری به مبانی معرفت‌شناختی آن. تولیدات پژوهشی باید مبتنی بر نظریه‌های مشخص علمی و قوانین منتج از آن باشد، اعم از اینکه نظریه‌های موجود و رایج باشد یا ترکیبی از نظریه‌ها را به عنوان مبنا در نظر گیرد یا حتی آنکه به طور مبتکرانه و خلاقانه نظریه جدید را مطرح سازد. همان‌طور که برونوفسکی اظهار داشته است: «ما پیشگویی‌ها را بر یکدیگر ترجیح نمی‌دهیم، بلکه روش‌های پیشگویی را بر یکدیگر ترجیح می‌دهیم... یک قانون علمی را قانون دیگر ترجیح می‌دهیم و قوانین علمی را برعکس پیشامد می‌توان برحسب شواهد گذشته سنجید...».

^۱ Ranking

^۲ Casual Mechanism



۸. قابلیت اعتباربخشی: یافته‌های پیش‌بینی در دوحوزه شناسایی انواع احتمالات و نیز اولویت‌دهی به هر احتمال باید متکی بر شواهد و قراین^۱ آمارها یا اجماع و انتفاقی نظر نخبگان، کارشناسان، خبرگان و صاحب‌نظران در آن حوزه تخصصی باشد. به عبارت دیگر، هنگامی تولیدات آینده‌پژوهی اطمینان‌بخش و قانع‌کننده است که تنها نتیجه آراء و نظرات تحلیلگر نباشد، بلکه از پشتوانه متقن و قابل قبولی برخوردار باشد. این هم به منزله در نظر گرفتن روش یا روش‌هایی کمی از جمله تحلیل ماتریس متقابل، تحلیل گرسیون و ... و روش‌های کیفی همچون پانل خبرگان، روش دلفی و سایر روش‌های رایج در این زمینه برای اعتباربخشی یافته‌ها است.

۹. پویایی روش: یک اصل مسلم روش‌شناختی در مطالعات آینده آن است که نتایج و یافته‌ها باید در طول زمان و در بازه زمانی تحقق احتمالات و آینده‌های ممکن، امکان تغییر و جابه‌جایی اولویت‌ها را داشته باشد. در واقع، روش‌ها باید این امکان را در اختیار محقق قرار دهند که در طول زمان (اکنون و آینده) بتواند تغییرات لازم را در محصولات پیش‌بینی کنند. پویایی روش به این دلیل است که همواره امکان دارد تا در طی افق زمانی اطلاعات جدید به دست آید یا موضوع دچار تحول شود. بر این اساس، تکنیک‌ها باید امکان تجدیدنظر دائمی در یافته‌ها را در اختیار محقق قرار دهد (حاجیان، ۱۳۹۰: ۹۶-۱۰۰).

مجموعه شاخص‌های روش‌شناختی فوق و نیز انتظارات کاربردی و عملی از تولیدات آینده‌پژوهی می‌توانند در حکم ملاک‌ها و معیارهایی باشند که به ارزیابی تکنیک‌های سناریونویسی در مقالات گردآوری شده کمک شایان توجهی داشته باشند.

۳. کاربرد سناریونویسی در پژوهش‌های روابط بین‌الملل

آینده‌پژوهی به مثابه علمی میان‌رشته‌ای کارآمدی بسیار بالا درون رشته‌های مختلف اعم از علوم تجربی و یا انسانی دارد و با وجود آنکه روش‌شناسی‌های ویژه خود را توسعه داده است، می‌کوشد از روش‌شناسی‌های متداول در دیگر رشته‌های علمی نیز بهره‌گیرد. در عرصه علوم اجتماعی نیز این رشته علمی توانسته است به عنوان حلقه پیوند میان گرایش‌ها و رشته‌های مختلف علوم اجتماعی عمل کند. روابط بین‌الملل نیز از این امر مستثنی نیست و چه بسا به دلیل ملاحظات ذاتی خود در زمینه پویایی آینده سیستم بین‌المللی و دارا بودن عدم قطعیت بالا و حساسیت زیاد پیامدهای تحولات سیستم بین‌المللی با آینده‌پژوهی پیوندی ناگسستنی دارد.

^۱ Evidence



البته همواره سنت سیاسی و ادبیات بسیار به منظور رویارویی با آرمانشهر یا جهان‌های بدیل موجود بوده است؛ به گونه‌ای که از بدو پیدایش نخستین اندیشه‌ها و نظریه‌های سیاسی، تصویرپردازی در خصوص آینده همواره مورد توجه فیلسوفان سیاسی بوده است. در میان پیشگامان آینده‌پژوهی معاصر می‌توان از اچ دی لاسول^۱ یاد کرد که دغدغه‌های او در حوزه سیاست اجتماعی و تلاش‌هایش برای جهت‌گیری تازه علوم سیاسی موجب امتزاج آینده‌پژوهی و سیاست شد. لاسول و همکارانش کتاب علوم خطومشی گذاری سیاسی^۲ را به رشته تحریر درآوردند که این کتاب را نخستین چارچوب سازمند تحلیل‌های سیاسی می‌دانند. لاسول به درستی نشان می‌دهد که بین علوم سیاسی و آینده‌پژوهی ارتباطی تنگاتنگ و معنادار وجود دارد و به باور بسیاری از آینده‌پژوهان دیگر، اهداف، روش‌ها و رویکردهای این دو حوزه چنان در یکدیگر رخنه کرده‌اند که تعیین مرزهای آنها ناشدنی یا دست کم دشوار است (خزایی، ۱۳۹۲: مقدمه).

از این رو، با توجه به پیوند بین علوم سیاسی و آینده‌پژوهی از یک سو و تداوم رابطه جامعه روابط بین الملل با جهان سیاستگذاران از سوی دیگر در این مقاله تلاش می‌شود به طور اجمال به برخی از مهمترین قابلیت‌های این روش برای پاسخگویی به دغدغه‌ها و نیازهای پژوهشگران و محققان فعال در حوزه روابط بین الملل اشاره شود. از آنجا که تفکرات درباره آینده به تنهایی کارگشا نیستند، وارد شدن به مباحث سناریوسازی و کاربست تکنیک‌های مختلف آن می‌تواند در این راستا تأثیرگذار باشد و جامعه روابط بین الملل باید سناریوسازی را به مثابه هدف در نظر گیرد تا به نظام‌مند کردن این تفکرات کمک کند. افرادی چون برنستین^۳، لیو^۴، استین^۵ و وبر^۶ به تازگی اظهار داشتند که «پژوهشگران روابط بین الملل تمایل دارند تا استدلال‌هایی را برجسته سازند که به گذشته برمی‌گردد و یک یا دو متغیر علی را جدا می‌سازد که به عنوان نیروی محرک عمده‌ی نتایج آینده و گذشته فرض شده‌اند». آنها استدلال می‌کنند که یکی از نقاط کور این رهیافت این است که این امر منجر به کاهش این حرفه از مباحث در حال اجرای سیاست می‌شود و در صورتی که بخواهیم به مثابه یک حرفه بر معضلات مهم سیاسی نفوذ داشته باشیم، پژوهشگران باید به توسعه برخی دیگر روش‌ها با مفیدیت بیشتر نسبت به روش‌های مبتنی بر تئوری قیاسی-قانونی بپردازند (Neumann & Verlandt, 2004: 258-259). کاندیدای اصلی آن‌ها برای این کار سناریوسازی است. در حوزه شناخت‌های علمی نحوه وصول به واقعیت و شیوه کشف و دسترسی به یافته مهمتر از خود یافته‌هاست و

^۱ H. D. Lasswell^۲ Policy Sciences^۳ Bernstein^۴ Lebow^۵ Stein^۶ Weber



اعتبار و فایده‌مندی یافته‌ها مرهون روش‌ها و تکنیک‌هایی است که محققان در فرایند تحقیق به کار می‌گیرند (ساروخانی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۲).

۴. دلایل کاربرد اندک پژوهش‌های آینده‌پژوهی در مقاله‌های علمی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ایران پژوهش‌های آینده‌پژوهانه و کتب موجود علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ایران با محوریت روش سناریونویسی، اندک می‌باشد که بایسته است برخی علت‌های احتمالی مورد آسیب‌شناسی قرار می‌گیرد. در ادامه برخی از این علل برشمرده می‌شود:

۱- یکی از دلایل احتمالی کاربرد اندک آینده‌پژوهی به طور عام و سناریونویسی به طور خاص، تازگی و بداعت این حوزه مطالعاتی نسبت به سایر حوزه‌ها و رشته‌های علوم اجتماعی، با وجود دغدغه دراز مدت و تاریخی که در خصوص آینده‌اندیشی وجود داشته است.

۲- آینده‌پژوهی و روند پژوهی همبسته با آن، اغلب از سوی متخصصان، پژوهشگران و تصمیم‌گیرندگان سیاسی روشی غیردقیق، آمیخته با تردید و غیرمطمئن تلقی می‌شود. وجود باورهای نادرست و انتظار غیرعلمی و ساده لوحانه از آینده‌پژوهی به عنوان روش پیش‌گویی و پیش‌بینی آینده هنوز هم به شکلی گسترده مشاهده می‌شود که اغلب نومی‌دی و دلسردی به همراه می‌آورد. مقوله‌ی حساس پیش‌بینی‌ناپذیری و عدم قطعیت آینده که از اوایل دهه ۷۰ همزمان با گسترش سناریو مطرح شده بود، هنوز هم در بسیاری از نهادها و حوزه‌های آکادمیک پذیرفته نشده است.^۱

۳- دلیل دیگر کم‌توجهی به این رشته مطالعاتی در آشنایی اندک اساتید، دانشجویان و پژوهشگران روابط بین‌الملل و علوم سیاسی با هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی آن است. آینده‌پژوهی به دلیل هویت بین‌رشته‌ای که دارد از بسیاری از روش‌های سایر علوم همچون علوم تجربی، اجتماعی، روان‌شناسی در کنار روش‌های موردنظر خود استفاده می‌کند. آشنایی اندک پژوهشگران علوم سیاسی و روابط بین‌الملل با کم و کیف فنون و روش‌های کمی و کیفی قادر به انجام مطالعات آینده‌پژوهی نیستند و در نتیجه آنها علاقه دارند تا به روش‌های سنتی مدیریت راهبردی و منابع کتابخانه‌ای نگارش مقاله پایبند باشند.

۴- زمان‌بر بودن و هزینه مالی انجام مطالعات آینده‌پژوهی به ویژه روش دلفی و سناریونویسی سبب بی‌علاقگی انجام چنین پژوهش‌هایی از سوی نهادهای آکادمیک و دانشجویان رشته علوم سیاسی

^۱ برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: حیدری، عباداله (۱۳۸۷). آینده‌پژوهی و مدیریت آینده در سی‌ و نهمین سالگرد انقلاب: تهران: وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، حوزه توسعه کاربرد فناوری‌های پیشرفته، مرکز آینده‌پژوهی و اطلاع‌رسانی.



و روابط بین الملل می‌شود. کسب حمایت مالی از سوی نهادهای آکادمیک اغلب امکان‌پذیر نیست یا در صورت کسب چنین حمایتی با محدودیت زمانی همراه خواهد بود؛ کما این که پذیرش انجام مطالعات آینده‌پژوهی در بین نهادهای آکادمیک در رشته علوم سیاسی و روابط بین الملل همچنان با دشواری‌هایی همراه است.^۱

۵- در کتاب «بررسی تطبیقی و ترازبایی در نظام‌های آینده‌پژوهی شش کشور؛ پیشنهاد نظام مناسب برای آینده‌نگاری در ایران» از جمله مشکلات انتخاب روش مناسب برای آینده‌پژوهی را چنین ذکر کرده است: کمبود کارشناس و صاحب‌نظر ایرانی؛ منابع مالی محدود؛ توان پایین در انجام کار گروهی؛ نبودن در سطح تولید فناوری؛ نیاز به نظام متمرکز و خطر اجرای نتایج. از این رو، از بین روش‌های مورد استفاده، روش دلفی و سناریونویسی به دلیل زمان‌بر بودن و کمبود کارشناس به عنوان روش‌هایی با کارآمدی اندک قلمداد شده، روش پانل‌های مختلف و SWOT به دلیل سادگی اجرا، قابل فهم بودن نتایج و نیاز به زمان کم توصیه شده است (کرامت‌زاده و دیگران، ۱۳۸۷: ۳۸۹).

۶- روش سناریونویسی در وزارتخانه‌ها و نهادهای گوناگون رسمی در ایران، در صورت انتخاب و انجام این روش، اغلب به صورت محرمانه صورت می‌پذیرد و همان‌طور که سید امامی اشاره دارد، «حتی اگر مهر محرمانه نخورده باشد، معمولاً در بایگانی‌های دستگاه‌های سفارش‌دهنده باقی می‌ماند و دسترسی پژوهشگران به آنها اگر غیرممکن نباشد، دست کم بسیار دشوار است». در نتیجه «آنچه از یافته‌های پژوهشی هرگز به عنوان دانش انباشته شده در اختیار پژوهشگرانی که برای کار خود نیاز به چنان داده‌هایی دارند و می‌توانند با انواع تحلیل‌های ثانویه به تولید بیشتر علم کمک کنند، قرار نمی‌گیرند» (سید امامی، ۱۳۸۹: ۱۵۵-۱۵۶).

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد روش‌های آینده‌پژوهی و سناریونویسی در سایر دستگاه‌های رسمی کشور نیز انجام شده باشد، اما به دلیل محرمانه بودن یا عدم دسترسی در اختیار نگارنده در اینجا ذکر نشده باشد. به عبارت دیگر، تحقیقات اندک انجام شده در ارتباط با موضوع و روش مورد استفاده در این تحقیق، عدم دسترسی به دستاوردهای پژوهشی آینده‌پژوهی و سناریونویسی در نهادهای دولتی، در صورت انجام

^۱ برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: سید امامی، کاووس (۱۳۸۹). جای خالی پژوهش‌های تجربی در علوم سیاسی ایران. پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره دوم، ص ۱۵۵-۱۵۶.



آن، از محدودیت‌های تحقیق حاضر به شمار می‌رود. از سوی دیگر، علت‌های احتمالی ذکر شده در مقاله در زمینه کمبود توجه و نگارش مقاله‌های آینده‌پژوهی و سناریونویسی بر ضرورت تدریس و شناخت روش‌شناسی آینده‌پژوهی در دروس روش‌شناسی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در دانشگاه‌های ایران دلالت دارد.

فهرست منابع

- ۱- بیشاب، پیترو؛ هاینز، اندی؛ کالینز، تری (۱۳۸۸). وضعیت کنونی سناریونویسی؛ مرور اجمالی تکنیک‌ها، مترجم: مسعود منزوی، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی-مؤسسه آموزشی تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- ۱- تقوی، محمدعلی؛ ادیبی، مهسا (۱۳۸۹). «ضعف سنت نقد در پژوهش علوم سیاسی در ایران»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره دوم، ص ۷-۲۷.
- ۲- جوادی ارجمند، محمد جعفر (۱۳۸۶). «سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و سیاست خارجی ج.ا.ا در دستیابی به قدرت برتر منطقه‌ای»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۱، ص ۶۷-۹۰.
- ۳- چهارسوقی، سیدکمال و دیگران (۱۳۹۱). «آینده‌پژوهی در حوزه انرژی و ارزیابی راهبردهای مدیریت انرژی کشور با استفاده از برنامه‌ریزی سناریو»، بهبود مدیریت، شماره ۴، پیاپی ۱۸، ص ۵-۳۳.
- ۴- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۰). «معیارهای ارزیابی روش‌شناختی تکنیک‌های مطالعات آینده»، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۵۹، ص ۷۷-۱۰۵.
- ۵- حسینی مقدم، محمد (۱۳۹۰). «کاربرد آینده‌پژوهی در علوم سیاسی با تکیه بر روش تحلیل لایه به لایه علت‌ها»، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ص ۱۶۹-۱۸۸.
- ۲- خزایی، سعید (۱۳۹۲). آینده‌پژوهی، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی-مؤسسه آموزشی تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- ۳- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). روش تحقیق در علوم اجتماعی و فرهنگی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، جلد ۱.
- ۶- سیدامامی، کاووس (۱۳۸۷). «پارادوکس‌های آموزش روش‌شناسی علم سیاست در ایران؛ برخی راهکارهای عمل‌گرایانه»، دانش سیاسی، شماره اول، ص ۱۲۳-۱۵۳.
- ۷- سیدامامی، کاووس (۱۳۸۹). «جای خالی پژوهش‌های تجربی در علوم سیاسی ایران». پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره دوم، ص ۱۵۵-۱۵۶.
- ۸- سیف‌زاده، حسین، ملکی سعیدآبادی، امید (۱۳۹۰). «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، آینده‌پژوهی مناسبات ایران و آمریکا با بهره‌گیری از ریاضیات جایگشتی»، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره اول، ص ۲۰۹-۲۴۳.
- ۴- شارب، بیل؛ وندرهیدن، کیس (۱۳۸۸). سناریوها برای کسب موفقیت؛ تبدیل دراک به اقدام، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی-مؤسسه آموزشی تحقیقاتی صنایع دفاعی.



- ۹- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۰). «سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه و الگوی امنیتی جمهوری اسلامی در منطقه خلیج فارس»، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۵۸، ص ۳۶۷-۳۸۶.
- ۵- کرامت‌زاده، عبدالمجید و دیگران (۱۳۸۷). بررسی تطبیقی و ترازایی در نظام‌های آینده‌پژوهی شش کشور؛ پیشنهاد نظام مناسب برای آینده‌نگاری در ایران، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی، مؤسسه بنیان دانش‌پژوهان، گروه مطالعات فناوری رصد.
- ۶- لیندگرن، ماتس؛ باند هولده، هانس (۱۳۸۶). طراحی سناریو؛ پیوند بین آینده و راهبرد. مترجم: عزیز تاتاری، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی-مؤسسه آموزشی تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- ۷- منزوی، مسعود (۱۳۸۸). آینده‌پژوهی؛ مفاهیم، روش‌ها. تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی-مؤسسه آموزشی تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- ۸- میتزرنر، دانا؛ رگر، گایدو (۱۳۸۸). سناریو و رویکردهای متفاوت آن، مترجم: مسعود منزوی، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی-مؤسسه آموزشی تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- ۹- میچیچ، پرو (۱۳۸۷). آینده‌پژوهی و مدیریت آینده در سی تانیه، مترجم: عبدالله حیدری، تهران: وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، حوزه توسعه و کاربرد فناوری‌های پیشرفته، مرکز آینده‌پژوهی و اطلاع‌رسانی.
- ۱۰- نیوری‌زاده، بهنام (۱۳۸۸). آینده‌پژوهی؛ مفاهیم، روش‌ها. تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی-مؤسسه آموزشی تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- ۱۱- وندر هیدن، کیس (۱۳۸۹). سناریوها؛ هنر گفتگوی راهبردی، مترجم: مسعود منزوی، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی-مؤسسه آموزشی تحقیقاتی صنایع دفاعی.

- 10- B. Neuman, I. & F. Overland, E (2004). "IR & Policy planning: The Method of perspectivist Scenario Building", *International Studies Perspectives*, 5, 258-277.
- 11- Bell, W. (1997). *Foundations of Future Studies: Human Science for a New Era*. Vol. I, New Brunswick: Transactions Publishers.
- 12- Burt, G. & van der Heijden, K. (2008). 'Towards a framework to understand purpose in Future Studies: The Role of Appreciative System', *Technological Forecasting & Social Change*, 75, 1109-1127.
- 13- Glenn, J. (1994). 'Introduction to The Futures Research Methodology Series'. AC/UNU Millennium Project, 1-45.
- 14- Marien, M. (2002). 'Futures Studies in 21st Century: a reality- based View', *Future Survey*, 34, 261-281. Retrieved from: www.Elsevier.com/locate/future
- 15- The Futures Group (1994). 'Scenarios', AC/UNU Millennium Project, 1-22.